

تحليل و بررسی

انگیزه

حرکت سیدالشهدا علیؑ

مهدی صدقی

www.ketab.ir

پدیدآورنده: صدری، مهدی  
 عنوان: تحلیل و بررسی انگیزه حرکت سیدالشهدا علیه السلام  
 تکرار نام پدیدآورنده: مهدی صدری  
 مشخصات نشر: قم: طوبای محبت، ۱۳۹۲.  
 مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص. چاپ دوم ۱۳۹۴ با استدراکات  
 بهاء: ۱۴۰۰۰ ریال. : ۰-۷۶-۶۰۸۵-۶۰۰-۹۷۸-۹۷۸ ISBN  
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا.  
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.  
 موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق. - بررسی و شناخت.  
 موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق. - فلسفه.  
 موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۶۱ ق.  
 رده کتگره: ۱۳۹۲، ۳، ۴، ۵/۴۱ BP  
 رده دیویی: ۲۹۷/۹۵۳۴  
 شماره مدرک: ۲۸۸۷۵۷۹



تحلیل و بررسی  
 انگیزه حرکت سیدالشهدا علیه السلام  
 انتشارات طوبای محبت

تألف: مهدی صدری  
 تألیف: طوبای محبت  
 تألیف: ذاکر  
 تألیف: حاقی: یاس  
 نوبت چاپ: دو، بار، ۱۳۹۴  
 شمارگان: ۲۰۰۰  
 بهاء: ۱۴۰۰۰ تومان

قم، خیابان چهارمردان، کوچه ۶ پلاک ۱۰۳  
 +۹۸۹۳۶۹۸۹۴۴۷۲ / +۹۸۲۵۱۷۷۸۴۰۸۳  
 E-Mail: ketabashura@hotmail.com

قم، خیابان سمیه، خیابان عباس آباد، پلاک ۱۱۲  
 +۹۸۹۱۲۲۵۳۴۹۶۷ / +۹۸۲۵۳۷۷۴۰۰۶۶

## را نمای کتاب

- بخش اول: دلایل دستور خاص ..... ۱۹
- بخش دوم: آگاهی از شهادت ..... ۱۰۳
- بخش سوم: امتناع از بیعت ..... ۲۰۳
- بخش چهارم: علت خروج از مدینه و مکه ..... ۲۱۳
- بخش پنجم: حتمی بودن شهادت ..... ۲۲۵
- بخش ششم: سرّ انتخاب کوفه ..... ۲۲۹
- بخش هفتم: عدم سازش با ابن زیاد ..... ۲۷۳
- بخش هشتم: انقلاب، مبارزه یا دفاع؟! ..... ۲۷۹
- بخش نهم: اهداف مشروط ..... ۳۰۵
- بخش دهم: رابطه شهادت با شفاعت ..... ۳۲۷

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين  
واللعن على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

شناخت زوایای گوناگون و جوانب مختلف زندگی پیشوایان معصوم علیهم السلام و فهم و درک صحیح آن، در اعتقاد و عمل ما نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ زیرا درجات ایمان و برکت بدان بستگی دارد. همان‌گونه که دریافت صحیح این مطلب از اهمیت و ارزش آن نیز برخوردار است، خطا و اشتباه در آن نیز انسان را به بیراهه کشانده و آثار زیبارویی بر آن مترتب می‌گردد.

ناگفته پیداست که - با توجه به - بینی بودن، مطلب از یک سو، و دقیق بودن و احیاناً پیچیدگی آن از سوی دیگر - پی بردن به واقع این قضایا بدون راهنمایی و ارشاد خود معصومین علیهم السلام ممکن نیست، چنان‌که فرموده‌اند:

کار ما خاندان [و پی بردن به آن بسیار] دشوار است و جز فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و مؤمنانی که خدا دل‌هایشان را آزموده [و از امتحان سراقراز بیرون آمده‌اند] کسی تاب تحمل آن را ندارد [و به آن پی نمی‌برد].<sup>۱</sup>

اگر حضرت موسی علیه السلام - با آن‌که پیامبر خداوند است - از درک اسرار

۱. رجوع شود به: بصائر الدرجات ۲۶ (باب ۱۲)، بحار الانوار ۷۱/۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۱،

۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۱۰، ۲۱۲ (باب ۲۶).

کارهای حضرت خضر (ع) ناتوان باشد و نتواند حکمت و علت رفتارش را بداند و مکرر بر او اعتراض نماید تا آن که خود حضرت خضر (ع) پرده از اسرار برداشته و حکمت کارهایش را بیان نماید،<sup>۱</sup> چگونه ممکن است که ما بدون استفاده از بیانات معصومین (ع) اسرار اعمال و رفتارهای آنها را بدانیم و درباره علل، اسباب، دواعی و انگیزه‌های سیره عملی آنان اظهار نظر کنیم؟! وقتی سفیر و نماینده امام زمان (ع) جناب حسین بن روح (ع) می‌فرماید: «در این گونه مطالبه برای من روا نیست که از پیش خود چیزی بگویم و اظهار نظر نمایم»،<sup>۲</sup> دیگر تکلیف دیگران روشن است!

پس رجوع به کلمات معصومین (ع) و دقت و تأمل در آن، مهم‌ترین رکن اساسی برای نتیجه‌گیری صحیح به شمار می‌رود به خصوص در این موضوعات که ویژگی خاصی دارند.

از جمله موضوعاتی که همراه با ورود توجه دانشمندان قرار گرفته و آراء و نظرات گوناگونی درباره آن ارائه شده «انگاره حرکت حضرت سیدالشهدا (ع)» از مدینه تا کربلا است.

نویسندگان و گویندگان دینی و مذهبی و حتی نویسندگان مسلمانان، هر یک از دیدگاهی به این موضوع نگریسته و به تحلیل و بررسی آن پرداخته‌اند. برخی از شخصیت‌ها بدون این که فرصتی برای تتبع آثار و روایات مربوطه داشته باشند تنها با معلومات محدود خویش در این قضایا مطالبی را طرح

۱. برای اطلاع از تفصیل قضیه رجوع شود به تفسیر سوره مبارکه کهف، آیات ۶۰ - ۸۲، بحارالانوار ۲۷۸/۱۳، حیاة القلوب ۱/۷۳۶.

۲. احتجاج ۲/۲۸۸، علل الشرائع ۱/۲۴۱ - ۲۴۳، غیبت شیخ طوسی ۳۲۲ - ۳۲۴، کمال‌الدین ۲/۵۰۷ - ۵۰۹، بحارالانوار ۴۴/۲۷۳ - ۲۷۴.

نموده‌اند، و عده‌ای هم به جهت احترامی که برای این شخصیت‌ها قائل هستند از دقت و تأمل بازمانده، و آن مطالب را بی چون و چرا پذیرفته‌اند.

به ویژه که شرایط زمان و مکان بستر مناسبی برای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری و برداشت از آیات، روایات، اخبار و آثار شده است. گرچه وجود این شرایط گاهی کمک به فهم صحیح و رسیدن به واقعیت‌ها می‌کند ولی گاهی موجب برداشت نادرست و دور شدن از حقایق نیز می‌شود. همچنان که حبّ و بغض انسان و علاقه و تنفراو همین تأثیر را دارد.

مثلاً جمله: «أنا قتيل العبرة» در کلام سالار شهیدان علیه السلام این‌گونه معنا شده: چون من اشک مظلوم و ستم‌دیده را دیدم، برای احقاق حقوق آنان قیام کرده و شهید می‌شوم.<sup>۱</sup> حال این‌که در روایات بلکه دنباله همین روایت مطلبی آمده که با این برداشت تنافی واضح دارد؛ زیرا حضرت در ادامه می‌فرماید: «لا یذکرني مؤمن إلاّ استعبر»<sup>۲</sup> یعنی: هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند جز آن‌که گریان می‌شود.

۱. یکی از معاصرین می‌نویسد: آنها که سرپرستان خود را در جنگ‌ها، زندان‌ها، دستگیری‌ها، اعدام‌ها... از دست داده بودند، نزد حسین می‌آمدند می‌بیدند، اشک‌ها و آنها در پس این مظلومیت‌ها بسیار بود، دل‌های سوخته و چشمان اشک‌ریز متعدد، آری این است رمز این جمله حسین که: «أنا قتيل العبرة»، من کشته اشک‌هایم، من مذبح به خاطر حمایت از ستم‌دیدگانم، من برخاسته و قیام کرده برای دفاع از حق مظلوم... (بخشی از انگیزه‌های نهضت امام حسین علیه السلام، دکتر علی قائمی (۴۴)).

۲. کامل الزیارات ۱۰۸ (چاپ دیگر: ۲۱۵)، امالی شیخ صدوق علیه السلام ۱۳۷، روضة الواعظین ۱۶۹/۱ - ۱۷۰، مناقب ۸۷/۴ (چاپ دیگر: ۲۳۹/۳)، بحارالانوار ۲۸۴/۴۴، عوالم ۵۳۶/۱۷.

روایت دیگر: کامل الزیارات ۱۰۹، بحار ۲۷۹/۴۴، عوالم ۵۳۶/۱۷، مستدرک ۳۱۱/۱۰.

معنای همین عبارت را از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «شهید اشک» یعنی چه؟ حضرت فرمود: «لا یذکره مؤمنن إلا بکمی»<sup>۱</sup>. یعنی: هیچ مؤمنی آن حضرت را یاد نکند مگر آن که گریان شود، و خود پیداست که تفاوت معنا از کجاست تا به کجا.

در هر صورت بسیاری کسانانی که بدون توجه به اخبار و آثار، در این زمینه به بحث و بررسی و اظهار نظر پرداخته‌اند.

ناید گرفتن کلمات معصومین علیهم السلام، برداشت‌های غیرموجه و نادرست از روایات، جست‌وجو در برابر نص، توجه به برخی از نصوص و نادیده گرفتن بقیه احادیث و یا عدم تبعیض و استقصاء مجموع روایات و عدم تأمل دقیق در آن برای عده‌ای مشکل ایجاد کرده و از رسیدن به فهم مطلب بازمانده‌اند.

علوم نقلی در رشته‌های مخف مانند حدیث، سیره، تاریخ و... با علوم عقلی تفاوت روشن دارد و بدون انباطه به منابع و مصادر، اخبار و آثار، و منقولات و مستندات نمی‌توان درباره آنها اظهار نظر کرد.

عقل بدون راهنمایی معصوم نمی‌تواند در کسب معارف دینی و آشنایی با اسرار برنامه‌های حجج پروردگار - که درود خدا بر آنها باد - به جایی برسد، و رجوع به روایات در این‌گونه موارد، و اطلاع کافی از سبب لازم و ضروری است.

برای اظهار نظر در هر مطلب دینی اعم از معارف، احکام و... باید مجموع ادله‌ای که در آن زمینه وجود دارد سنجیده شود، و پس از فحوص از معارض یا مخصّص و مقید و... با تأمل و دقت در لسان ادله و تحفظ بر آن و اجتناب از

۱. مستدرک ۳۸۶/۱۰ به نقل از مجموعه شهید علیه السلام، جامع احادیث الشیعة ۵۵۶/۱۲.

برداشت‌های خارج از محدوده الفاظ اخبار و آثار، نظریه صحیح اختیار شود. دقت و تأمل کافی - بدون تأثیرپذیری از آراء شخصیت‌های مورد علاقه - برای رسیدن به نتیجه صحیح امری اجتناب‌ناپذیر است.

### کتاب حاضر

دیر ز سر بود که خاطر این ناچیز بدان تعلق داشت که مجموع اخبار و آثار وارده در «انگیزه حاکت سیدالشهدا<sup>علیه السلام</sup>» را جمع‌آوری و تنظیم نموده و حاصل آن را به رشته تحریر درآورم. با همین انگیزه به بررسی مطالب پرداختم و با مراجعه مکرر به اخبار و آثار تألیفات متعددی که در این زمینه نگاشته شده، این نتیجه به دست آمد که نزدیک‌ترین نظر به واقعیت در حرکت امام حسین<sup>علیه السلام</sup>، بیان علامه مجلسی<sup>رحمته الله</sup> در کتاب «بحار الانوار» است، این نظر مورد قبول برخی از علمای دیگر نیز واقع شده است. ایشان می‌فرمایند:

در کتاب امامت و کتاب فتن<sup>۱</sup> روایات بسیاری نقل کردیم که هر یک از معصومین<sup>علیهم السلام</sup> به امور ویژه و خاصی مأمور بودند که در نوشته‌هایی آسمانی بر پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> نازل شده و از بدن عمل می‌کرده‌اند. [پس با توجه به تکلیف خاص] نمی‌شود احکامی که به آنها تعلق گرفته با احکام مربوط به ما قیاس شود.

پس از اطلاع بر حال پیامبران<sup>علیهم السلام</sup> معلوم می‌شود که بسیاری از آنها [از جانب خدا] مأمور می‌شدند که به تنهایی در برابر هزاران تن از کافران قرار گیرند، به خدایان [دروغین و ساختگی] آنها ناسزا گفته،

۱. بحار الانوار ۱۹۲/۳۶ باب ۴۰ و ۴۱۷/۲۹ باب ۱۳.



و آنها را به دین دعوت می‌کردند، و باکی نداشتند که از سوی آنها با ناراحتی و سختی، کتک، حبس، قتل، سوختن و دیگر مشکلات مواجه شوند. پس سزاوار نیست که بر امامان (ع) در این‌گونه امور اعتراض شود.

گذشته از آن‌که پس از اثبات عصمت امامان معصوم (ع) - با دلیل و برهان و روایات متواتر - دیگر مجالی برای چون و چرا کردن باقی نمی‌ماند و باید در تمام آنچه از آنان صادر شود تسلیم بود.

علاوه بر آن اگر به دقت تأمل نمایی، خواهی دانست که سیدالشهدا (ع)، پس مقدس خویش را فدای دین جَدِّش نمود. ارکان دولت بنی‌امیه فقط با شهادت حضرت [بود که] متزلزل گردید و کفر و ضلالت آنها برانگیخته شد. اگر آن حضرت رفتار مسالمت‌آمیز اختیار کرده بود و با آنها کنار می‌آمد، بر قدرت و شوکت آنها افزوده شده و امر بر مردم مشتبه می‌گردید و انانیت در دین و هدایت باقی نمی‌ماند. با این همه، از روایات گذشته روشن شد که حضرت از ترس کشته شدن از مدینه به مکه گریخت. و همچنین بیرون رفتن از مکه بدان جهت بود که گمان ترور و کشتن ناجوانمردانه حضرت در کار بود. تا جایی که حضرت - که جان و پدر و مادر و فرزندانم فدایش باد - نتوانست حج را تمام نماید [و اعمال آن را بجا آورد] لذا از احرام بیرون آمده و با حالت خوف مکه را ترک نمود، و دشمنان - که خدایشان لعنت کند - عرصه را بر او تنگ کرده بودند و راهی دیگر برای او باقی نگذاشته بودند.

در کتب معتبر دیده‌ام که یزید، عمرو بن سعید را با لشکری عظیم فرستاده، او را امیرالحاج گردانید و به او دستور داد که مخفیانه حضرت را دستگیر کرده و اگر نشد او را ترور کند. و با زسی نفر از شیاطین بنی امیه را بین حاجیان به صورت ناشناس فرستاده بود که به هر کیفیت شده کار حضرت را یکسره کرده و او را به قتل برسانند، لذا حضرت از احرام درآمده و مناسک را به صورت عمره مفرده به پایان رسانید.

با - مدیر - اند نقل شده که حضرت در پاسخ محمد بن حنفیه - که حضرت را از رفتن به کوفه منع می‌کرد - فرمود: به خدا سوگند ای برادر اگر من لانه‌ی منی از این خزندگان زمینی هم باشم اینها مرا بیرون آورده و به قتل می‌رسانند.

ظاهر قضیه این گونه به نظر می‌رسد که اگر سیدالشهدا علیه السلام بیعت آنها را می‌پذیرفت باز هم به بهانه‌ای حضرت را می‌کشتند، و عرض بیعت بدان جهت بود که می‌دانستند حضرت آن را نمی‌پذیرد.

آیا مروان ملعون قبل از عرض بیعت بر حسین علیه السلام به والی مدینه نگفت که او را به قتل برسان؟!

عبیدالله بن زیاد - که لعنت خدا تا قیامت بر او باد - می‌گفت: او تسلیم ما شود تا ما هر نظری درباره‌اش داشتیم اجرا کنیم!

آیا نمی‌بینی که چگونه به مسلم بن عقیل علیه السلام امان دادند سپس او را به شهادت رساندند؟! <sup>۱</sup>

ما با الهام از فرمایش ایشان که برداشتی از کلمات نورانی اهل بیت (ع) است، در حدّ توان خویش به تبیین و شفاف نمودن مطلب، اقامه شواهد و تکمیل و تثمیم بحث با ذکر مصادر و منابع خواهیم پرداخت.

البته ممکن است بحث «احتمال بدا» برای بعضی تازگی داشته باشد، و در کلام علامه مجلسی (ع) در این مقام نامی از آن برده نشده،<sup>۱</sup> ولی آن هم تلویحاً یا تصریحاً در کلمات دیگران آمده است.

همچنین طالبی در بخش نهم «اهداف مشروط» خواهد آمد که شرح و توضیح برخی از کلمات سیدالشهدا (ع) و ردیه‌ای است بر برداشت نادرستی که از آن کلمات شده است.

### چشم‌انداز کتاب

خلاصه مطلب آن است که سفر حضرت در علت دارد: باطنی و ظاهری.

۱. علت باطنی آن است که حرکت سیدالشهدا (ع) بنا بر دستور خاصّ خداوند تبارک و تعالی بوده، و ایشان برای انجام وظیفه وفای به پیمان الهی به این سفر اقدام فرمود. و حضرت دقیقاً از جزئیات شهادت خود در کربلا آگاه بوده است.

همراه بردن بانوان و کودکان در این سفر قرینه مناسبی است برای فهم و درک این که «دستور خاصّ» برای حضرت صادر شده است.

۲. علت ظاهری: خروج از مدینه و سفر به مکه برای حفظ نفس بوده؛ زیرا

۱. البته ایشان در مرآة العقول ۴/ ۱۷۰ اشاره‌ای به مطلب دارد.

عاملان یزید تصمیم کشتن امام حسین علیه السلام را داشتند لذا حضرت به مکه سفر نمود، آنجا هم می خواستند حضرت را به شهادت برسانند پس آن حضرت از مکه هم بیرون رفت تا علاوه بر حفظ نفس، حرمت خانه خدا نیز محفوظ بماند.

اگر حضرت در مدینه یا مکه می ماند، کشته شده و خون او لوٹ می شد. اما پس از خروج از مکه کجا برود؟ هر جا برود کشته خواهد شد. پس حضرت عراق را انتخاب می کند؛ زیرا - به حسب ظاهر - کوفیان حضرت را دعوت کرده اند و ایشان نیز آنها قول مساعد داده، پس وفای به عهد و اتمام حجت اقتضای این سفر را دارد.

امام علیه السلام وظیفه ندارد که به پیمان شکنی کوفیان - که به دانش الهی می داند - ترتیب اثر دهد. پس در ظاهر حرمت وفای، اما در واقع «دستور خاص الهی» داعی و انگیزه سفر به عراق است؛ زیرا همه معاصرین حضرت به وضوح می دانستند که کوفیان به پیمان خویش وفای نداشتند.

جایی که افراد عادی بتوانند آینده کوفه را حدس بزنند، بی وفایی کوفیان برای آنها روشن باشد، قطعاً این مطلب بر حضرت - که از دانش الهی بهره مند است - پوشیده نبوده است؛ با همه این مقدمات، احتمال بدان - به شرحی که خواهد آمد - قابل انکار نیست.

سفر از مدینه و مکه، و برخوردهای حضرت با دشمن جنبه دفاعی دارد، و عنوان «مبارزه» - به معنای شروع جنگ - یا «انقلاب» بر آن منطبق نیست. البته اگر کوفیان به عهدشان وفادار بودند، مقدمات تشکیل حکومت، جهاد و مبارزه با یزید و... نیز مهیا می شد.

جملاتی که حضرت درباره امتناع از بیعت با یزید فرموده نباید با انگیزه و علت حرکت خلط شود، مانند: الخلافة محرمة علی آل ابي سفیان و . . . .  
تعبیر: «هیئات منّا الذّلة» نیز در برابر پیشنهاد سازش با ابن زیاد گفته شده، نه این که علت حرکت حضرت باشد.

عبارت: «أريد أن أمر بالمعروف و أنهي عن المنکر» و امثال آن در مقام «ارائه برنامه» بیان علل طولی است، بدان معنا که: اگر ما زمام خلافت را به دست گیریم، - بین برنامه‌ای در حکومت ما اجرا خواهد شد.

برخی از موری که به عنوان انگیزه حرکت سیدالشهدا علیه السلام شناخته شده - گذشته از اختصار بر او به خود حضرت - از حکمت‌های دستور خاص پروردگار به آن حضرت است. نمی‌توان آنها را انگیزه حرکت حضرت شمرد، به این شرح که سفر امام حسین علیه السلام در باطن برای امتثال دستور خاص خداوند و در ظاهر به جهت اجابت دعوت کوفیان برای اقامه عدل و داد و . . . بود. آن حضرت می‌خواست مردم را از حیرت سردرگمی، جهالت و ضلالت نجات دهد و در صورت فرمان‌برداری از حضرت و حصول شرایط لازم، آنها را به راه مستقیم هدایت کرده، فسادهای موجود در جامعه را بر طرف نموده، و امر به معروف و نهی از منکر نماید، و مطابق سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام عمل کند.

امام حسین علیه السلام به مقصد خویش رسید و به بهترین وجه فرمان‌خداوند تعالی را امتثال نمود و به بالاترین مرتبه کمال نائل گردید. با شهادت آن حضرت مژشت بنی‌امیه باز و بقای اسلام تضمین گردید.

یکی از آثار و نتایج شهادت آن بزرگوار مقام شفاعت کبری است.

بر این اساس، مطالب کتاب حاضر به کیفیت ذیل تنظیم شده است:

بخش اول: بیان دلایلی که حرکت سیدالشهدا علیه السلام دستور خاص داشته است.

بخش دوم: آگاهی حضرت از شهادت در این سفر، و بررسی موضوع القاء نفس در تهلکه، احتمال بداء و ...

بخش سوم: امتناع از بیعت با یزید

بخش چهارم: خروج از مدینه و مکه

بخش پنجم: عدم بودن شهادت

بخش ششم: سبب تحاب کوفه و علل عدم بازگشت آن حضرت پس از شهادت حضرت مسلم علیه السلام، تصمیم بازگشت حضرت پس از ملاقات با حرّ و ...

بخش هفتم: عدم سازش با این زورگر

بخش هشتم: انقلاب، مبارزه یا دفاع؟

بخش نهم: اهداف مشروط

بخش دهم: رابطه شهادت با شفاعت

### تذکر چند نکته

نکته اول: ما ادعا نداریم که در جمع آوری مطالب تتبع تامّ کرده ایم و آثار در آنچه نقل شده منحصر نیست، چنان که بر اهل اطلاع روشن است؛ بلکه افزودن هر مطلب جدیدی باعث تبدیل شماره روایات می شد، چنان که مکرر با این مشکل مواجه شدیم لذا فعلاً به همین اندازه بسنده می کنیم.

نکته دوم: بزرگان ما از طبقات مختلف - متکلمین، فقها، محدثین - تأکید بر آن دارند که اعتماد بر روایات عامه صحیح نیست، مگر آنچه بین ما و آنها مورد اتفاق باشد؛ لذا متذکر می‌شویم که ذکر برخی از روایات عامه در این نوشتار یا به جهت وجود آن در جوامع روایی شیعه است، یا برای این که مطلب بر تقدیر وجود آن روایت هم معلوم شود.

نکته سوم: روایاتی که در هر بخش نقل شده فقط به جهت اثبات مطالب آن بخش بیان استناد شده است نه این که به تمام اخبار و آثاری که آورده‌ایم معتقد باشیم، بلکه در جای خود بحث شده که تفکیک در حجیت امری است که در علوم مختلف پدید آمده است.

اگر در ترجمه، شرح و تفسیح روایات، به معصومین (ع) یا دیگران مطلبی را اسناد داده‌ایم بنا بر فرض اعتبار و صدور آن روایات بوده است.

نکته چهارم: در ذکر تحیات پس از اسامی مقدسه معصومین (ع) تابع منابع و مصادر نبوده‌ایم.

روز ولادت حضرت زینب کبری (ع) پنجم جمادی الاولی ۱۴۳۴

مصادف با ۲۷ اسفند ۱۳۹۱ م، مهدی صدری

## فهرست

۷	.....	شگفتار
۱۱	.....	ستاد حاضر
۱۴	.....	چشم انداز کتاب
۱۷	.....	تذکره بد نکتها

### بخش دوم: دلایل دستور خاص

۱۰۲ - ۱۰۱

۲۴	.....	● دستور خاص در روایات تفسیر سوره قدر
۲۷	.....	اشاره به مدلول روایات
۲۹	.....	● امامان <small>علیهم السلام</small> دست به کاری نمی‌زنند مگر به دستور خاص
۳۹	.....	اشاره به مدلول روایات
۴۱	.....	● دستور خاص برای امام حسین <small>علیه السلام</small>
۵۰	.....	اشاره به مدلول روایات
۵۶	.....	● شرح و بیان دستور خاص و اسناد آن
۵۶	.....	۱. اتفاق شیعه و سنی بر نقل دستور خاص
۶۰	.....	۲. دستور خاص در عالم رؤیا
۶۰	.....	صادقه بودن رؤیای سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>
۶۰	.....	مفاد روایات رؤیا
۶۰	.....	برخورد متفاوت حضرت در نقل رؤیا و عدم نقل آن
۶۱	.....	تعدد و اتحاد رؤیاها
۶۱	.....	کثرت روایات رؤیا و ذکر مصادر آن



۳. جمع بین انگیزه ظاهری و باطنی سفر کربلا ..... ۶۵
- بیان برخی از اقسام انگیزه و حکمت و علت ..... ۶۵
- توضیح مطلب با ذکر دو مثال ..... ۶۶
- انگیزه ظاهری و باطنی سفر کربلا ..... ۶۷
- پنداری نادرست در تشخیص انگیزه اصلی ..... ۶۹
۴. دستور خاص پاسخی به بداندیشان ..... ۷۱
۵. پاسخ اشکال تنافی دستور خاص با «تأسی» ..... ۷۴
- توضیح تأسی ..... ۷۵
- عدم تمامیت استناد به تأسی از ناحیه مقتضی ..... ۷۷
- عدم تمامیت استناد به تأسی از ناحیه مانع ..... ۸۴
- بیان مانع بنابر ظاهر به اول (امر به معروف و نهی از منکر): ..... ۸۴
- بیان مانع بابر الزام (جهاد با حاکمان ستمگر): ..... ۸۵
- آیا مفاد حدیث «تکلیفی» «سوة» تأسی در قیام نیست؟ ..... ۸۶
۶. روایات تفسیر سوره لدر و تأسی ..... ۸۸
۷. عدم منافات دستور خاص با سایر دستورات ..... ۸۹
۸. چرا حضرت در پاسخ همه دستور خاص مطرح نکرد؟ ..... ۹۰
۹. تبیین بیشتر دستور خاص با طرح چند روش ..... ۹۱
۱۰. دستور خاص و همراهی بانوان ..... ۹۳
۱۱. عدم استبعاد دستور خاص در همراه بردن بانوان ..... ۹۴
۱۲. رابطه تنگاتنگ دستور خاص و امتحان ..... ۹۵

### بخش دوم: آگاهی از شهادت

۱۰۳-۲۰۲

- دانش وسیع امامان (ع) ..... ۱۰۵
- اشاره به مدلول روایات ..... ۱۰۷
- آگاهی از شهادت بر مبنای تفسیر سوره قدر ..... ۱۱۰
- اطلاع امام حسین (ع) از شهادت ..... ۱۱۲
- اشاره به مدلول روایات ..... ۱۲۵

- ۱۳۳ ..... ۳۲ ماهی دیگران و مخالفت با سفر کوفه
- ۱۳۴ ..... نقل مخالفت‌های گروهی
- ۱۳۶ ..... مخالفت محمد بن حنفیه
- ۱۳۷ ..... مخالفت عبدالله بن جعفر
- ۱۳۸ ..... مخالفت عبدالله بن عباس
- ۱۴۳ ..... مخالفت عبدالله بن زبیر
- ۱۴۴ ..... مخالفت عبدالله بن عمر
- ۱۴۷ ..... مخالفت عبدالله بن مطیع
- ۱۴۸ ..... مخالفت بشر بن غالب
- ۱۴۸ ..... مخالفت ابوبکر بن عبدالرحمن بن حارث بن هشام
- ۱۴۹ ..... مخالفت مسروق بن حارث بن هشام
- ۱۵۰ ..... مخالفت مسروق بن مخرم
- ۱۵۰ ..... مخالفت ابواقد لیلی
- ۱۵۰ ..... مخالفت مردی از بنی عکرمه عمر بن لذان
- ۱۵۱ ..... مخالفت أحنف بن قیس
- ۱۵۱ ..... مخالفت یزید بن اصم
- ۱۵۱ ..... مخالفت ابوسعید خدری
- ۱۵۲ ..... مخالفت عمرة بنت عبدالرحمن
- ۱۵۳ ..... مخالفت فرزذق
- ۱۵۳ ..... مخالفت برادر بحیر بن شداد
- ۱۵۴ ..... مخالفت جناب حرّ
- ۱۵۵ ..... مخالفت ابوسلمة بن عبدالرحمان
- ۱۵۶ ..... مخالفت یزید لعنه الله
- ۱۵۸ ..... مخالفت سر بازان حکومت
- ۱۵۹ ..... اشاره به مدلول روایات
- ۱۷۴ ..... گزیده کلام مخالفین سفر عراق
- ۱۷۶ ..... پاسخ‌های گوناگون حضرت به اقتضای شرایط
- ۱۷۸ ..... بازنگری اندیشه مخالفان حرکت امام علیّه

- تکانی درباره آگاهی از شهادت ..... ۱۸۳
- ۱. غفلت از فراست و زیرکی سیدالشهدا علیه السلام ..... ۱۸۳
- ۲. پاسخ از القاء نفس در تهلکه ..... ۱۸۵
- ۳. احتمال بداء ..... ۱۸۸
- الف) احتمال بداء در تاریخ غلبه حق بر باطل ..... ۱۸۸
- ب) مشی بر ظاهر در موارد احتمال بداء ..... ۱۹۳
- ج) احتمال بداء در کلمات سیدالشهدا علیه السلام ..... ۱۹۷
- اشاره به مدلول روایات ..... ۱۹۹

### بخش سوم: امتناع از بیعت

۲۰۳ - ۲۱۲

- اشاره به مدلول روایات ..... ۲۰۶
- تذکره دو نکته ..... ۲۰۸
- ۱. فرق بین علت امتناع از بیعت و علت مبارزه ..... ۲۰۸
- ۲. سکوت ده ساله امام حسین علیه السلام در سکوت بقیه معصومین علیهم السلام ..... ۲۱۰

### بخش چهارم: علت خروج از مدینه و مکه

۲۱۳ - ۲۲۴

- خروج از مدینه ..... ۲۱۵
- اشاره به مدلول روایات ..... ۲۱۷
- خروج از مکه ..... ۲۱۸
- اشاره به مدلول روایات ..... ۲۲۲

### بخش پنجم: حتمی بودن شهادت

۲۲۵ - ۲۲۸

- اشاره به مدلول روایات ..... ۲۲۷
- پاسخ یک پرسش ..... ۲۲۷

### بخش ششم: سرّ انتخاب کوفه

۲۲۹ - ۲۷۲

- ۲۲۹ ..... علل ظاهری و باطنی انتخاب کوفه
- ۲۴۱ ..... اشاره به مدلول روایات
- ۲۴۷ ..... آثاری در کید، خدعه و فریب کوفیان
- ۲۴۹ ..... اشاره به مدلول روایات
- ۲۵۱ ..... میزان اهمیت نامه های کوفیان و اعتماد امام علیه السلام بر آن
- ۲۵۲ ..... اهمیت سرّ پس از شهادت حضرت مسلم علیه السلام
- ۲۵۶ ..... اشاره به مدلول روایات
- ۲۶۰ ..... بررسی و توضیح آن گذشته
- ۲۶۰ ..... ۱. یکسان نبودن روایات
- ۲۶۰ ..... ۲. پاسخ اقناعی برخی روایات
- ۲۶۱ ..... ۳. تنافی برخی از روایات با کدگر
- ۲۶۲ ..... ۴. توضیح وفای به عهد در بعضی از روایات
- ۲۶۴ ..... تصمیم بازگشت
- ۲۶۴ ..... ۱. اراده بازگشت پس از ملاقات با حرّ
- ۲۶۸ ..... ۲. پیشنهاد بازگشت پس از ملاقات با عمر بن خطاب رضی الله عنه
- ۲۷۰ ..... اشاره به مدلول روایات

### بخش هفتم: عدم سازش با ابن زیاد

۲۷۳ - ۲۷۸

### بخش هشتم: انقلاب، مبارزه یا دفاع؟!

۲۷۹ - ۳۰۴

- ۲۸۱ ..... حرمت جنگ در ماههای حرام
- ۲۸۲ ..... موضع دفاعی

- ۲۹۰ ..... اشاره به مدلول روایات
- ۲۹۶ ..... اتمام حجت روز عاشورا
- ۲۹۷ ..... اشاره به مدلول روایات
- ۲۹۹ ..... تذکر دو نکته
- ۲۹۹ ..... ۱. جهاد بر فرض یاری کوفیان
- ۳۰۳ ..... ۲. استعمال لفظ جهاد به معنای دفاع

### بخش نهم: اهداف مشروط

۳۰۵ - ۳۲۶

- ۳۱۰ ..... اشاره به مدلول روایات
- ۳۱۴ ..... تمایز انگیزه اصلی
- ۳۱۷ ..... بیان اهداف مشروط
- ۳۱۹ ..... تعلیقی بودن «امر به معروف»
- ۳۲۱ ..... رسیدن به مقصود
- ۳۲۲ ..... تذکر دو نکته
- ۳۲۲ ..... ۱. احتمال تعلیق و تنجیز در برخی از روایات
- ۳۲۵ ..... ۲. بیان تعبیر «جهالت و ضلالت» در زیارت امام حسین علیه السلام

### بخش دهم: رابطه شهادت با شفاعت

۳۲۷ - ۳۳۷

- ۳۲۸ ..... ۱. روایات شیعه
- ۳۳۱ ..... ۲. روایات اهل تسنن
- ۳۳۲ ..... اشاره به مدلول روایات

۳۳۹	استدراک‌های چاپ دوم	●
۳۳۹	استدراک صفحه ۴۳ و صفحه ۵۲	
۳۴۱	استدراک صفحه ۴۹	
۳۴۳	استدراک صفحه ۹۲	
۳۴۴	استدراک صفحه ۱۱۸	
۳۴۶	استدراک صفحه ۲۱۴	
۳۴۸	استدراک صفحه ۲۲۴	
۳۵۰	استدراک صفحه ۲۴۸	
۳۵۱	استدراک صفحه ۲۶۳	
۳۵۲	استدراک صفحه ۲۹۰	
۳۵۳	استدراک صفحه ۳۰۱	
۳۵۴	استدراک صفحه ۳۰۰	
۳۵۶	استدراک دوم صفحه ۳۲۰	
۳۵۸	استدراک صفحه ۳۳۱	
۳۶۰	استدراک دوم صفحه ۳۳۱	
۳۶۱	فهرست مطالب	●

www.ketab.ir